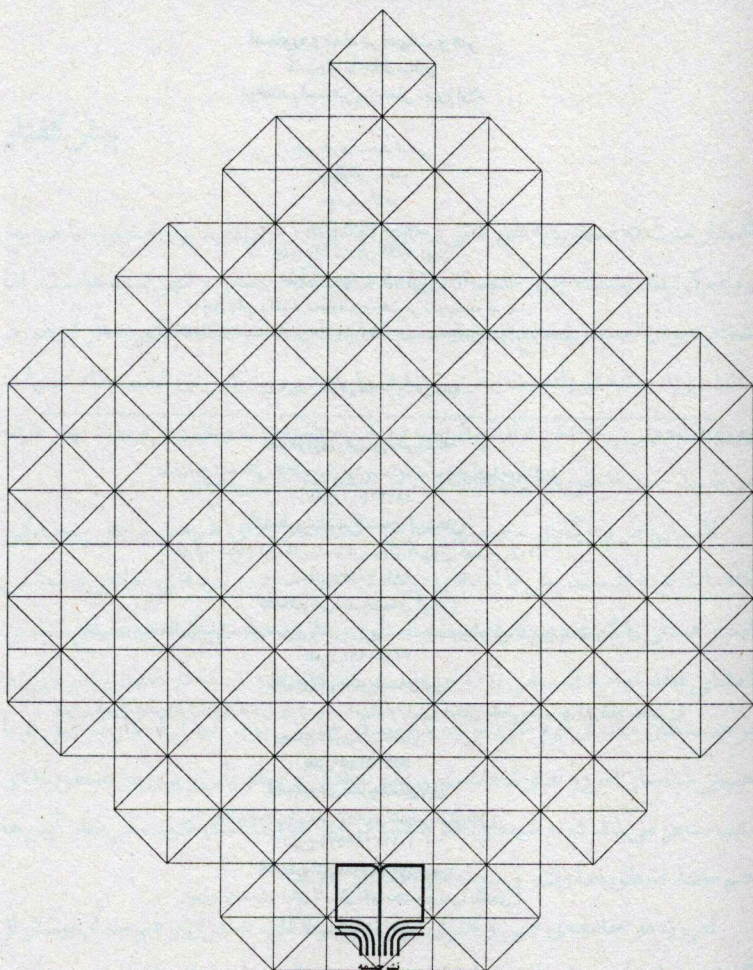


اسطوره و نماد در ادبیات و هنر

گفت‌وگو با جلال ستاری

ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق، فروغ اولاد



اسماعیل پور: پیوند اسطوره و نماد اهمیت بسیاری دارد. ولی مسئله این است که اکثر کسانی که در ایران در حوزه‌ی اسطوره کار کرده‌اند، بیشتر به اساطیر باستانی ایران یا اساطیر باستانی دیگر کشورها پرداخته‌اند. اما، این که اسطوره چه قدر می‌تواند با زندگی امروز یا هنر و ادبیات ما عجین باشد، این که اسطوره به اصطلاح چه قدر می‌تواند در زندگی امروز ما مؤثر باشد و چه قدر می‌تواند در ادبیات، سینما و هنر ما تأثیرگذار باشد، بی‌اغراق شما اولین کسی بودید که اسطوره را با چنین چشم‌اندازی در جامعه‌ی امروز مطرح کردید. کسانی چون استاد ابراهیم پورداود، مهرداد بهار و دیگران که در زمینه‌ی اسطوره‌های ایرانی متون اوستایی و پهلوی کار کردند، همه به اسطوره‌های باستانی ایران پرداختند. این که مثلاً آناهیتا که بود و تیشتر که بود، میترا که بود، یا عناصر اسطوره‌ای دیگر را در فرهنگ باستانی ایران مطرح کردند. واقعیت این است که از همان دهه‌ی نخست تا دهه‌های سی و چهل قرن چهارده شمسی، ما دیگر به اندازه‌ی کافی از اسطوره‌های باستانی مان مطلع شده بودیم. مثلاً پورداود تمام یشت‌ها و تمامی اوستا (البته به جز وندیداد)، از جمله گائاهارا معرفی و ترجمه کرد. بعد هم فکر می‌کنم در حدود سال ۱۳۳۰ بود که ترجمه‌ی کتاب مهم و دوجلدی اساطیر یونان و رُم به قلم احمد بهمنش منتشر شد. دیگر تا دهه‌ی پنجاه، سال پنجاه و یک شمسی بود که اساطیر ایران مرحوم مهرداد بهار اول بار در بنیاد فرهنگ ایران چاپ شد. می‌توان گفت این اثر نخستین کتاب اساطیر ایرانی